

به نظر می‌رسد اولین کتابی که از جبران خلیل جبران (۱۸۸۳-۱۹۳۱) در ایران به فارسی برگردان شده است، کتاب «الارواح المتمرده» بوده که آقای سید مصطفی طباطبایی آن را ترجمه کرده است. این کتاب تحت عنوان «ارواح متمرده» در شهریور ماه ۱۳۲۵ خورشیدی در انتشارات بنگاه فرهنگی مری به چاپ رسیده است، همین مترجم محترم در سالهای بعد کتاب مذکور را همراه با برگردان کتابهای «بالهای شکسته»، «نوباوگان چمن» و «ترانه‌ها» تحت عنوان «مجموعه کامل آثار جبران خلیل جبران» به چاپ رسانیده است. و سپس در حدود دهه چهل شمسی مترجمان دیگری چون صالح زاده، علم... دست به انتشار آثار دیگری از جبران زدند.

بعد از انقلاب، بویژه در چند سال اخیر، شاهد آنیم که کتابخوانان ایرانی استقبال چشمگیری از ترجمه متون عرفانی و فراروانشناختی ملل دیگر به عمل آورده‌اند^۱... در جریان استقبال از این کتابها، آثار جبران نیز مورد توجه مترجمان و خوانندگان قرار گرفت.

این استقبال جدای از مسأله «جوزدگی» و «بازاری گری»... نشانه‌ای از توجه به تفکر عمیق و اصیل از سوی کتابخوانان ایرانی است. در این روی‌آوری نوین، برخی از کتابهای او توسط چند مترجم به چاپ رسید، به طوری که کتابی چون **پیامبر** (prophet) تاکنون با عناوین مختلف با بیش از هشت ترجمه به بازار عرضه گردیده است.

گمان نگارنده بر آن است که چارچوب تعالی گرایانه (= عرفانی) اندیشه جبران، کانون اصلی این توجه بوده است. لذا لازم است افکار او مورد نوعی

بازشناسی قرار گیرد. ضرورت این باز شناسی جدای از اهمیت جهان بینی جبران، در این است که او در مرزهای «عرفان ایرانی _ اسلامی ا پرسه می زده و در اوج این جستجو می گوید:

لم یقیم فی الارض دین

«پس از دین محمد (طه) و مسیح، در روی زمین دینی پایدار نمی ماند».
یا در جایی دیگر می آورد:

«من مسیحی ام و به آن افتخار می کنم ولی به پیامبر عربی عشق می ورزم و نامش را ارج می نهم، عظمت اسلام را دوست می دارم و از نابودی و زوال آن بیمناکم».

نگارنده بر آن شد تا از مجموعه آثار انگلیسی جبران که در اختیار داشت کتابی را برگزیند که تاکنون ترجمه نشده باشد. کتاب زیر (که قطعات و جملات برگزیده اوست) برای این مقصود مناسب به نظر رسید:

Spiritual Sayings of Kahlil Gibran

(Anthony Rizcallah Ferris, A Bantam Book, ۱۹۷۶, ۸th printing)

بعد از مطالعه کتاب و مشورت با چند صاحب نظر، این نتیجه حاصل شد که تنها ترجمه کتاب مذکور، منتقل کننده معانی مورد نظر نخواهد بود. لذا با در نظر گرفتن اصل «امانت داری در معنا» کار ترجمه آغاز شد. در جریان این ترجمه، مولانا آواز داد که:

ترجمه خلق مکن، حالت و گفتار تو کو؟

این شد که آن صاحب دل روشن ضمیر مأمور به «پرسه»^۲ ام کرد. پرسه ای حیرت آلود در افقهای مه آلود روحی بی قرار که دغدغه پرواز و برخاستن از روی خاک را داشته است. این پرسه، طی طریقی روشمند و موزون در «اقلیم روح» جبران نیست، چرا که به قول خود او در ساحل حیات، تنها صدفها ظاهر می شوند. آری این پرسه ای است کژ و مژ به اشارتی که همواره شمس مرا فریاد می کند:

«تا کی... بر زین بی اسب، سوار گشته، در میدان مردان می تازیدی؟... و تا کی به عصای دیگران بپا رویدی؟... این سخنان که می گوید از حدیث و تفسیر و حکمت و غیره، سخنان مردم آن زمان است که هر یکی در

عهد خود به مسند مردی نشسته بودند و از... حالات خود معانی گفتند و چون مردان این عهد شمائید، اسرار و سخنان شما، کو؟...»

این کتاب از دو بخش تشکیل شده است:

* در بخش اول تلاش شده تا به این پرسش پرداخته شود که آیا جبران خلیل جبران يك عارف است؟

برای پاسخ با این پرسش چند محور بنیادین برگزیده و سعی شده که خطوط عرفانی در جهان بینی جبران از طریق آنها با زبانی نسبتاً ساده نشان داده شود.

* بخش دوم در واقع ترجمه کتاب Spiritual است. که مجموعه ای از جملات ادبی و قطعات جبران است.

تا چه در قبول آید

پاورقی ها

۱- آثار کسانی چون کریشنامورتی، کارلوس کاستاندا، پائولو کوئیلو... که بر سر عرفانی بودن محتویات این کتابها نیز می توان بحث کرد، و متأسفانه علی رغم انتشار پر تیراژ و چاپهای متعدد این گونه کتابها، جریان نقادی این اندیشه ها در جامعه ما آغاز نشده است و بیم آن می رود که روی آوری به این کتابها، نوعی پرکردن «خلأ احساسی» ایجاد شده در نسل جوان باشد!

۲- اشاره به یکی از نامهای پیامبر که در سوره ۲۰ قرآن مجید آمده است.

۳- در برخی از سلسله های صوفیه در ایران، پیران طریق، سالکان را مأمور می کند که کشکول را به مچ دست چپ آویخته و با دست راست تبرزین را به شانه راست حمایل کرده و در بازار به فاصله حداقل دو متر از دکانها اشعار عرفانی بخوانند، سالک به صاحب مغازه نگاه نمی کند و چیزی مطالبه نمی کند و مردم هدیه (نیاز) را باید به داخل کشکول بریزند...

چنین کاری را که برای «خود شکستن» سالک است «پرسه» می گویند